

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی

محمود شارع پور، تقی آزادارمکی، علی عسکری

(تاریخ دریافت ۸۸/۲/۲، تاریخ پذیرش ۸۸/۱۰/۳۰)

چکیده: امروزه حضور انسان‌های متفاوت در محل زندگی، کار و عرصه اجتماع از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. از آن‌جا که وجود چنین تنوعی ممکن است باعث ایجاد درگیری در صحنه اجتماع گردد لازم است تا با اجرای پژوهش‌های علمی زمینه همزیستی افراد متفاوت فراهم شود. تحقیق حاضر با استفاده از نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام به دنبال بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با مدارا می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی بوده و تعداد ۲۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی که در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بوده‌اند به‌طور خوداجرا به پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه معکوس و معناداری داشته است. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین مشارکت در شبکه‌های غیررسمی سیاسی و شبکه‌های رسمی با ابعاد مدارا مشاهده شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای چهار متغیر اعتماد نهادی، سن، شبکه‌های غیررسمی سیاسی و سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مدارا می‌باشند.

مفاهیم کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد، شبکه‌های رسمی و غیررسمی، مدارا.

۱. مقدمه و بیان مسئله

مسئله همزیستی در تاریخ بشر، هیچ‌گاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده و این از آن‌روست که آدمیان هرگز ضرورت تفاوت را چنین ملموس و گسترده، به صورت رویارویی هر روزه با «دیگربودگی»^۱ تجربه نکرده بودند (والزر، ۱۳۸۳). در واقع، در جامعه جدید و با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی، برگ‌نوبینی از تاریخ ورق می‌خورد و مردمان سراسر دنیا، امکان تعامل مداوم و وسیع با یکدیگر را پیدا می‌کنند (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۰). اما این تعامل میان انسان‌هایی رخ می‌دهد که همگی در پشت اندیشه‌های جزم‌گرایانه خود سنگر گرفته‌اند و از زاویه عینک کوچک خود به جهان می‌نگرند و در نتیجه جز یک «حق» و یک «درست» نمی‌بینند. این‌جا نقطه شروع کشمکش و خشونت میان صاحبان اندیشه‌های مختلف (حقیقت‌های مختلف) می‌باشد. ریلتون^۲ نیز به این امر توجه کرده است و معتقد است که «تمایل اختلاف‌نظرها در تمام زمینه‌ها متمایل به ایجاد تضاد اجتماعی است» (گراهام، ۱۳۸۳: ۸۵).

یکی از دلایلی که برای این شیوه برخورد با افکار و رفتار می‌توان ذکر کرد، این است که به دلیل محدود بودن تعامل بین‌گروهی، در جامعه سنتی تنها یک منبع برای کسب دانش و آگاهی وجود داشته است ولی با گسترش جهان عقل‌محور مدرن منابع نیل به حقیقت متکثر شد، اما با توجه به ریشه‌دار بودن اندیشه حقیقت مطلق، «در سطح فردی نه‌تنها هرکس اندیشه خود را بهترین اندیشه می‌داند بلکه حاضر به شنیدن آرا و نظرات دیگران نیست، چه رسد به آن‌که آن‌ها را برخوردار از حقوق اجتماعی مساوی خود بداند» (بهمن‌پور، ۱۳۷۸: ۱۰). در چنین شرایطی چالش فراروی دولت‌ها و ملت‌ها، یافتن شیوه‌های کانالیزه کردن این‌گونه روابط به سمت تجربیات دموکراتیکی است که مفاهمه و گفت‌وگوی بین‌ملت‌ها و نیز مبانی حقوق بشر را تقویت کند (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳). یعنی این‌که انسان اندیشه‌ورز در طول تاریخ به دنبال راهی بوده است که با وجود این‌همه تنوع و کثرت عقاید و آرا، انسان‌ها به وسیله آن به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زیست کنند (افشانی، ۱۳۸۱: ۶)، و ضمن احترام به حقیقت موردنظر دیگران، حقیقت موردنظر خود را هم حفظ کنند. «مدارا»^۳ به‌عنوان فضیلتی اجتماعی و قاعده‌ای سیاسی، امکان همزیستی صلح‌آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی

1. Otherness

2. Railton

3. Tolerance/Toleration

قابل ذکر است که مدارا ترجمه‌ای است از این دو کلمه انگلیسی که تنها فیلسوف‌ها متمایل به استفاده از Toleration در این معنا می‌باشند (دیجکر و کومین، ۲۰۰۷: ۲۹).

دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند» (گالتوتی^۱، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲)؛ زیرا بحث از مدارا تلویحاً به معنای افتتاح گفتمان آزادی اعتقاد، آزادی وجدان و آزادی بیان می‌باشد. «منظور از مدارا، احترام گذاشتن به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف است» (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

همان‌طور که پرسل و همکارانش^۲ (۲۰۰۱) نشان داده‌اند جامعه مدنی عاملی است که بر مدارا تأثیر می‌گذارد. به نظر چلبی این مفهوم به لحاظ هنجاری، حکایت از ارزش‌ها و گداهای رفتاری تحمل «دیگران» متفاوت و تعهد ضمنی یا صریح مدیریت مسالمت‌آمیز تفاوت‌ها در میان افراد و جماعتی را که در یک فضای عمومی مشترک هستند، دارد (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۸۸). در بعد نهادی، جامعه مدنی متشکل از همه مجامعی است که مردم متعلق به آن‌ها هستند، از قبیل خانواده، سازمان‌های مذهبی، جنبش‌های اجتماعی، انجمن‌های اولیا و مربیان، انجمن‌های همسایگی، باشگاه‌های ورزشی، اتحادیه‌های کار، گروه‌های داوطلبانه، انجمن‌های حرفه‌ای یا شغلی، باشگاه‌ها، گروه‌های حمایتی و غیره... این شبکه‌ها و پیوندهای ایجاد شده به وسیله این قبیل عضویت‌ها، برای جوامع حیاتی هستند، برای جلوگیری از جرم، برای آموزش و توسعه جوانان، برای افزایش مدارا نسبت به تفاوت‌های اجتماعی (پرسل و همکاران، ۲۰۰۱: ۲۰۶). سیگلر و ژوسلین^۳ (۲۰۰۲) هم به اهمیت این قبیل شبکه‌ها در افزایش مدارا توجه کرده‌اند و نشان داده‌اند که عضویت فراوان در گروه‌های مختلف، از جمله عواملی است که مدارا را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر چلبی هم یکی از آثار انجمن‌های داوطلبانه (به‌عنوان محور اصلی جامعه مدنی) را در سطح خرد، ارائه فرصت اجتماعی برای بالا بردن تحمل اجتماعی در برخورد منطقی با سلايق، مسائل و راه‌حل‌های متفاوت براساس اصل مجاب‌سازی می‌داند (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۴۳).

به زعم پرسل و همکارانش (۲۰۰۱) ویژگی کانونی جامعه مدنی، مفهوم سرمایه اجتماعی می‌باشد که پاتنام آن را این‌گونه تعریف می‌کند: منظور از سرمایه اجتماعی... وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد (۱۳۸۰: ۲۸۵). چلبی (۱۳۸۴)، چلبی و امیرکافی (۱۳۸۵)، میلر و سیرز^۴ (۱۹۸۶)، پاتنام (۲۰۰۲) و سیگلر و ژوسلین (۲۰۰۲) سرمایه اجتماعی را یکی از عواملی می‌دانند که باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود. بدین معنی که افراد، زمانی که در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت تأثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با

1. Galeotti

2. persell & et al.

3. Cigler and Jostyn

4. Miller and Sears

اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، به نسبت زمانی که در این‌گونه شبکه‌های اجتماعی شرکت نمی‌کنند و تحت تأثیر هنجارهای موجود در شبکه‌ها قرار نمی‌گیرند (یعنی در مقایسه با زمانی که از سرمایه اجتماعی اندکی برخوردارند)، نگرش مدارا جویانه‌تری نسبت به این‌گونه تفاوت‌ها نشان می‌دهند. بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی به تعبیر بانک جهانی به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند. در واقع سرمایه اجتماعی، یک سیستم محوری امنیتی است که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری می‌کند و مدارا را افزایش می‌دهد (فاین، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

هم‌گام با این واقعیت‌ها و در شرایطی که خلأ تحقیقات تجربی در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا به شدت احساس می‌شود، تحقیق حاضر به دنبال بررسی رابطه بین این دو و ابعاد گوناگون آن‌ها می‌باشد. بر همین اساس پژوهش حاضر در پی بررسی این سؤال است که چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و مدارا وجود دارد؟

۲. پیشینه تجربی تحقیق

اصرار بر انجام کاری علمی در این حیطة بر ضرورت یک آزمون دقیق تجربی تأکید دارد، اما با این‌که پیشینه غنی سرمایه اجتماعی، رابطه میان سرمایه اجتماعی و ابعاد و مؤلفه‌های آن با مدارا را برجسته می‌نماید، وجود چنین آزمون دقیق تجربی بسیار نادر می‌باشد (براون، ۲۰۰۶ و سیگلر و ژوسلین، ۲۰۰۲). با این حال برخی محققان با دغدغه‌ای مشابه به بررسی رابطه ابعادی از سرمایه اجتماعی با مدارا و غالباً مدارای سیاسی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

سیگلر و ژوسلین (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «گسترده‌گی عضویت گروهی و سرمایه اجتماعی و تأثیر آن روی نگرش‌های مدارای سیاسی» به بررسی رابطه بین عضویت در گروه‌های داوطلبانه و نگرش‌های مدارای سیاسی در آمریکا پرداخته‌اند. آن‌ها برای بررسی رابطه مذکور از روش تحلیل داده‌های ثانویه بهره گرفته‌اند بدین معنی که از پایگاه داده‌ها درباره پیمایش اجتماعی عمومی از سال ۱۹۷۲ تا سال ۱۹۹۴ و پژوهش مشارکت شهروندان در سال ۱۹۹۰ استفاده کرده‌اند. آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که عضویت گروهی، نوع گروه و عضویت چندگانه در بخش‌های گروه‌های مختلف نقش معناداری در تعیین مدارای سیاسی دارند. همچنین، نتایج این تحقیق حکایت از تأثیر مثبت عضویت در بخش‌های مختلف یک گروه روی مدارای سیاسی دارد؛ به این معنی که به موازات افزایش عضویت افراد در بخش‌های مختلف یک گروه، مدارای آنان نیز افزایش می‌یابد.

ایکدا^۱ (۲۰۰۲) نیز در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و ارتباط اجتماعی در ژاپن: مشارکت سیاسی و مدارای سیاسی» به بررسی سرمایه اجتماعی و برخی نتایج متصور برای آن از قبیل مشارکت و مدارا پرداخته است. روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل داده‌های ثانویه می‌باشد؛ بدین معنی که داده‌های مورد نیاز را از پیمایشی طولی که در سرتاسر ژاپن در آوریل سال ۲۰۰۰ و نوامبر همان سال انجام شده است، اخذ کرده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که عضویت در انجمن‌های داوطلبانه دارای ساختار افقی، رابطه معکوس ضعیفی با مدارا دارد. از این گذشته، نتایج این تحقیق نشان داده است که مدارا رابطه‌ای معکوس با اعتماد نهادی دارد، بدین معنی که عدم مدارا با اعتماد نهادی هم‌گام است.

در پژوهش دیگری با عنوان «تأثیر مشارکت سیاسی بر مدارای سیاسی در آمریکا» نیسی داینین^۲ (۲۰۰۱) به بررسی رابطه بین مشارکت سیاسی و سطح مدارای سیاسی افراد پرداخته است. روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل داده‌های ثانویه می‌باشد بدین معنی که از داده‌های جمع‌آوری شده توسط دانشگاه کانکتیکت که در جولای و آگوست ۱۹۹۷ گردآوری شده بود، استفاده کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل، تحصیلات بالاترین قدرت تبیینی را برای مدارا دارد و بعد از آن نژاد در مرتبه دوم و ایدئولوژی در مرتبه سوم قرار می‌گیرد. ضعیف‌ترین رابطه معنادار مربوط به شاخص مشارکت می‌باشد. بدین معنی که از بین متغیرهایی که تأثیر معناداری بر مدارا دارند مشارکت قدرت تبیینی کمتری دارد.

میلر و سیرز (۱۹۸۶) نیز در تحقیقی با عنوان «پایداری و تغییر در مدارای اجتماعی» به بررسی تأثیر تغییرات محیطی بر استمرار نگرش‌های مدارای اجتماعی پرداخته‌اند. سؤال اساسی این محققین بدین شرح است که نگرش‌های سیاسی - اجتماعی تا چه حد می‌تواند در بین سال‌های قبل از بلوغ تا زمان بلوغ، استمرار داشته باشد. روش آن‌ها در این تحقیق، تحلیل داده‌های ثانویه بوده است. بدین معنی که برای بررسی رابطه فوق از شش پیمایش اجتماعی عمومی که به صورت مقطعی بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ انجام شده است، بهره‌مند شده‌اند. آن‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون حداقل مربعات، به این نتیجه رسیده‌اند که محیط‌های قبل از بلوغ و اوایل بلوغ تأثیر معنادار تقریباً یکسانی روی شاخص مدارای اجتماعی دارند. یعنی آن دسته از افرادی که در دوران قبل از بلوغ و اوایل بلوغ در محیط‌های مداراجویانه پرورش یافته‌اند، مداراجو تر هستند.

1. Ikeda

2. Necci Dineen

در پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی» چلبی و امیرکافی (۱۳۸۵) به بررسی علل و پیامدهای انزوای اجتماعی پرداخته‌اند. آن‌ها در بخشی از کار خود به بررسی پیامدهای انزوای اجتماعی پرداخته‌اند و مدارای اجتماعی را به عنوان یکی از این پیامدها در نظر گرفته‌اند. فرضیه آن‌ها در این رابطه بدین شکل است که: هرچقدر سطح روابط اجتماعی کمتر باشد، مدارای اجتماعی کمتر می‌شود. آن‌ها برای بررسی این موضوع از روش پیمایشی استفاده کرده‌اند و با استفاده از یک نمونه ۷۳۴ نفری از شهروندان ۲۰ تا ۷۰ ساله در دو شهر کرمان و تهران به مطالعه انزوای اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که مدارای اجتماعی با گسترش شبکه‌ها و تعاملات اجتماعی افزایش می‌یابد و با تضعیف آن‌ها کاهش می‌یابد. یعنی پیوستن به انجمن‌های داوطلبانه که در آن‌ها شرح مسائل، ابراز عقیده و پیشنهادهای، تصمیم‌گیری‌ها، و انتخاب بر مبنای اصل مجاب‌سازی صورت می‌گیرد، مدارای اجتماعی را تقویت می‌کند.

جدول شماره ۱. مقایسه متغیرهای سرمایه اجتماعی، مدارا و نوع رابطه بین آن‌ها در کارهای انجام شده

نوع رابطه	متغیرهای مدارا (متغیر وابسته)	متغیرهای سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)	
مستقیم	مدارای سیاسی	عضویت در گروه‌های داوطلبانه	سیگلر و ژوسلین ۲۰۰۲
معکوس	مدارا	عضویت در انجمن‌های داوطلبانه و اعتماد نهادی	ایکدا ۲۰۰۲
مستقیم	مدارای سیاسی	مشارکت سیاسی	نسی داینین ۲۰۰۱
مستقیم	مدارای اجتماعی	انجمن‌های داوطلبانه و تعاملات اجتماعی	چلبی و امیرکافی ۱۳۸۵

در جمع‌بندی پیشینه تجربی پژوهش می‌توان کارهای انجام شده در این زمینه را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول کارهایی را شامل می‌شود که رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارا را تأیید نمی‌کنند، مثل کار ایکدا (۲۰۰۲)، البته قابل ذکر است که تعداد این کارها بسیار نادر می‌باشد. دسته دوم تحقیقاتی را شامل می‌شود که معتقدند بین ابعاد سرمایه اجتماعی و مدارا رابطه‌ای مثبت وجود دارد. از این دسته می‌توان به کارهای چلبی و امیرکافی (۱۳۸۵)، سیگلر و ژوسلین (۲۰۰۲) و نسی داینین (۲۰۰۱) اشاره کرد. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی به افراد و انجمن‌ها کمک می‌کند تا با گروه‌های دیگر «غریبه‌ها» در جامعه ارتباط برقرار کنند. این تعاملات وسیع‌تر امکان آشنایی افراد با هویت‌ها، فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و اندیشه‌های متفاوت را فراهم می‌آورد و امکان بروز رفتار مداراجویانه را برای آن‌ها فراهم می‌آورد.

نکته دیگری که در پیشینه تحقیق جالب توجه است این است که هرکدام از کارهای فوق

ابعادی را برای مدارا در نظر گرفته‌اند که مفهوم مدارا را به‌طور کامل پوشش نمی‌دهد. در واقع تقسیم‌بندی‌های مورد استفاده آن‌ها ناقص بوده و از عهده مفهوم مذکور به‌خوبی برنیامده است. در همین راستا لازم است که در تحقیق حاضر برای پر کردن خلأ موجود، از تقسیم‌بندی سه بعدی «وگت» استفاده گردد که می‌تواند بر مشکل موجود فایق آید؛ این تقسیم‌بندی بدین شکل می‌باشد: مدارای اجتماعی (که شامل مدارای دینی، مذهبی، قومی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی)، مدارای سیاسی (مدارا نسبت به فمینیست‌ها، ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد، و مدارای سیاسی عمومی) و مدارای اخلاقی و رفتاری (مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، مجرمان و سبک‌های پوشش و رفتار). در رابطه با سرمایه اجتماعی هم باید ذکر کنیم که هرکدام از تحقیقات انجام شده، تنها برخی از ابعاد آن را در ارتباط با مدارا مورد سنجش قرار داده‌اند، بدین معنی که کمبود یک مفهوم‌پردازی کامل از سرمایه اجتماعی در کارهای قبلی احساس می‌شود. برای رفع این کمبود نیز از نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام استفاده شده است که دو بعد را برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند: شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در این شبکه‌ها.

۳. مبانی نظری تحقیق

نظریات سرمایه اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی را شاخص‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند. به رغم تفاوت‌های ساختاری و محتوایی، آن‌چه به مثابه شیرازه‌ای محکم، این رویکردهای متفاوت را تحت عنوان نظریه‌های سرمایه اجتماعی جمع می‌نماید موضوع تعاملات و روابط اجتماعی افراد در درون شبکه‌هاست. در این قسمت به دلیل محدودیت فضایی از توضیح درباره سرمایه اجتماعی خودداری شده و تنها به ارائه خلاصه‌ای ساده (جدول شماره ۲)، از طرح مفهومی اصلی سرمایه اجتماعی بسنده می‌کنیم که در آن مباحث صاحب‌نظران این حوزه با یکدیگر از جهت تعریف، اهداف و سطح تحلیل سرمایه اجتماعی و در نهایت بازدهی سرمایه، مقایسه شده و جهت‌گیری فردی یا جمعی آنان نسبت به سرمایه اجتماعی مشخص گردیده است.

جدول شماره ۲. تعاریف، اهداف، تحلیل و منافع حاصل از سرمایه اجتماعی

نظریه پرداز	تعریف	اهداف	سطح تحلیل	بازدهی سرمایه
نن لین، بری و لمن و گرانووتر	دسترسی و استفاده از منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی	تأمین منابع نهفته در روابط حفظ منابع موجود	افراد در شبکه‌ها و ساختارهای اجتماعی	خصوصی (فردی)
پاتنام و فوکویاما	هنجارهای اعتماد و همیاری و شبکه‌ها که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید	تأمین دموکراسی و هنجارهای مدنی (مدارا) و توسعه اقتصادی	مناطق و اجتماعات و گروه‌ها در زمینه‌های ملی و بین‌المللی	عمومی (جمعی)
بوردیو	منابعی که دسترسی به کالاهای گروهی را فراهم می‌سازد	تأمین سرمایه اقتصادی	افراد در رقابت‌های طبقاتی	خصوصی (فردی و گروهی)
کلمن	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنش‌های هدفمند کنشگران را تسهیل می‌نماید	تأمین سرمایه انسانی	افراد در زمینه‌های خانوادگی و اجتماع	خصوصی و عمومی (فردی و جمعی)
هالبرن	هر نوع ساختار اجتماعی را که همکاری و اعتماد بین افراد را تسهیل کند، می‌توان سرمایه اجتماعی تلقی نمود	عملکرد اقتصادی، بهداشت، جرم، آموزش و پرورش و دولت	خرد (پیوندهای نزدیک با خانواده و دوستان)، میانه (اجتماعات و سازمان‌های انجمنی)، کلان (دولت و پیوندهای سطح ملی)	خصوصی (فردی)، عمومی (انجمنی)، اجتماعی (ملی)

۱-۳. چارچوب نظری: نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام

با توجه به گردشی که در نظریه‌های جامعه‌شناسی به نفع نظریه‌های نرم صورت گرفته است، سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن به شدت مورد توجه کارشناسان مسائل اجتماعی قرار گرفته است. سلطه فعلی این مفهوم از آن رابرت پاتنام می‌باشد که چارچوب نظری این تحقیق نیز از این نظریه بهره‌مند گردیده است. پاتنام در ابتدا نظریه سرمایه اجتماعی اش را در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی» منتشر کرد، و در آن به مقایسه سنت‌های مدنی در ایالت‌های ایتالیا پرداخت (تولینی، ۲۰۰۵: ۴). وی در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی با دموکراسی، علاوه بر تأثیرات بیرونی (تأثیر بر کارآمدی حکومت‌ها) بر تأثیرات درونی سرمایه اجتماعی نیز تأکید داشته و آن را عامل شکل‌گیری ویژگی‌های نگرشی و رفتاری معطوف به اجتماع در افراد می‌داند: به‌طور درونی، انجمن‌ها و شبکه‌های کمتر رسمی، مشارکت‌های مدنی، عادات همکاری، روحیه جمعی و مهارت‌های عملی لازم برای شرکت در زندگی جمعی را به اعضای خود القا می‌کنند. آن‌ها همچنان که عادات دموکراتیک را القا می‌نمایند، فرصتی برای یادگیری سجایای مدنی از قبیل مدارا هستند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۳۸-۳۳۹). در واقع وی در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که ارتباطی قوی بین عملکرد نهادی و جامعه مدنی وجود دارد. همچنین وی نشان داده است که با توسعه نهادهای دموکراتیک جدید بعد از سال ۱۹۷۰، فاصله‌های ایدئولوژیک بین احزاب افراطی کاهش یافته است و تساهل و مدارا در سراسر رده‌های حزبی شکوفا شده است (پاتنام، ۱۳۸۰).

پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه، به‌عنوان ویژگی سازمان اجتماعی

تعریف می‌نماید که عبارتند از:

الف. شبکه‌ها: پاتنام، مانند دیگر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به‌عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد (پاتنام و گاس، ۲۰۰۲: ۶). او با تفکیک شبکه‌های افقی^۱ یا «مساوات‌طلب» از شبکه‌های عمودی^۲ یا «انحصارطلب»، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌نماید: شبکه‌های عمودی که عاملان را به روابط و وابستگی‌های سلسله‌مراتبی متصل می‌کند از ایجاد اعتماد به خاطر این واقعیت که همکاری اغلب به شکل یک خطر تصور می‌شود، ممانعت می‌کند. از نظر او شبکه‌های افقی از قبیل آن‌هایی که در انجمن‌های داوطلبانه ایجاد می‌شوند، برای تولید همکاری، اعتماد و مدارا مناسب‌تر هستند، چون به مشارکت‌کنندگان اجازه تعامل در شرایط برابر و مبادله اطلاعات به شیوه‌ای آزاد را می‌دهد و برای افراد فرصت درگیر شدن در چارچوب گسترده‌تری از گروه‌ها را فراهم می‌آورد (خوشفر، ۱۳۸۷).

ب. هنجارهای همیاری: پاتنام نوع خاصی از هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی می‌نامد: ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم‌یافته است. «من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم بی آن‌که چیزی فوراً در مقابل انتظار داشته باشم، و شاید حتی بی آن‌که شما را بشناسم، با این اطمینان که در طول راه، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۴).

ج. اعتماد: یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری و مدارا بوده و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیکان با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد که توسعه مدارا را روان‌تر می‌گرداند (پاتنام، ۲۰۰۰).

نکته مهم در کار پاتنام این است که شبکه‌های مشغولیت مدنی، جزء ضروری دموکراسی و موفقیت نهادی مناطق شمالی می‌باشند. شبکه‌های مدنی عملکرد نهادی و نتایج سیاسی را نه تنها از طریق دربرگرفتن ارزش‌های همکاری، همیاری و اعتماد بلکه همچنین از طریق آموزش مهارت‌های مدنی از قبیل مدارا، مذاکره و سازگاری که برای مشارکت

1. Horizontal Networks

2. Vertical Networks

سیاسی لازم هستند، تحت تأثیر قرار می‌دهد (ویلا، ۲۰۰۷: ۱۳).

پاتنام تمایزی را بین سرمایه اجتماعی «درون‌گروهی^۱» و «بین‌گروهی^۲» قائل بود. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به شبکه‌های همگن اشاره دارد؛ مثل آن شبکه‌هایی که از چرخه‌های آشنایان شخصی ما به وجود می‌آیند، «این انجمن‌ها با تأکید بر انسجام درونی به حذف غریبه‌ها می‌پردازند» (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۳۳). بدین معنی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود. این گروه‌های همگن افراد را تبدیل به کسانی می‌کند که زمینه و نقطه‌نظرات مشابهی دارند و پیش‌فرض آن‌ها را در خصوص افرادی که خارج از گروه آن‌ها قرار گرفته‌اند، تقویت می‌کند. بدین ترتیب بیشتر از این‌که با دیگران مدارا کنند، نظر دیگران را اشتباه تصور می‌کنند و آن را تهدیدی برای موجودیت خود می‌یابند (سیگلر و ژوسلین، ۲۰۰۲: ۱۰). در مقابل، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی، شبکه‌هایی را توصیف می‌کند که ما را به افراد خارج از گروه صمیمی مان (یعنی غریبه‌ها) متصل می‌کند (لئونارد^۳، ۲۰۰۴: ۳۰-۹۲۹). این نوع از سرمایه اجتماعی آن چیزی است که پاکستون (۱۹۹۹) به‌عنوان پیوندهای افقی^۴ می‌نامد و زمانی رخ می‌دهد که اعضای یک گروه با اعضای سایر گروه‌ها برای دسترسی به اطلاعات و دسترسی به حمایت یا یکدیگر ارتباط برقرار کنند (لارسن و همکاران^۵، ۲۰۰۴: ۶۶). این تعاملات وسیع‌تر امکان آشنایی افراد با هویت‌ها، فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و اندیشه‌های متفاوت را فراهم می‌آورد و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را برای آن‌ها ایجاد می‌کند. بدین معنی که آن‌ها در برخورد منطقی با این‌گونه تفاوت‌ها، تفاوت و تنوع را منبعی ارزشمند قلمداد کرده و نسبت به هویت، جهت‌گیری و رفتارهای متفاوت با مدارا برخورد می‌کنند. با این‌که هرکدام از این شبکه‌ها برای جامعه مفید هستند. پاتنام در نهایت ادعا می‌کند که شبکه‌های بین‌گروهی برای دموکراسی مفیدتر هستند، چراکه این شبکه‌ها، میان‌برهای ارتباطی در جامعه را تشویق می‌کنند و مدارا، همکاری و انتشار اطلاعات را افزایش می‌دهند (ویلا، ۲۰۰۷: ۱۴؛ فیلد، ۱۳۸۶: ۵۶ و تاجبخش، ۱۳۸۵: ۳۳).

پاتنام در کار برجسته بعدی‌اش، با عنوان «بولینگ تنها»^۶ چندین منفعت سرمایه اجتماعی را شناسایی کرده است که هدف ما در این تحقیق تمرکز روی سومین منفعت می‌باشد. اول این‌که سرمایه اجتماعی از طریق کمک به هماهنگ‌سازی و هم‌نمایی نسبت به رفتارهای مطلوب، در

1. Bonding

3. Leonard

5. Larsen and et al.

2. Bridging

4. Cross-cutting

6. Bowling Alone

حل معماهای کنش‌های جمعی مثمر ثمر می‌باشد. دومین منفعت سرمایه اجتماعی این است که سرمایه اجتماعی هزینه تجارت و معامله را کاهش می‌دهد. اعتماد، به عنوان یکی از جنبه‌های سرمایه اجتماعی، مذاکرات گروه‌ها و احزاب را بدون نیاز به پول و زمان... تضمین می‌کند. سوم این که سرمایه اجتماعی مردم را نسبت به راه‌های متعددی که سرنوشت آن‌ها به آن متصل است، آگاه‌تر می‌کند؛ راه‌هایی از قبیل همزیستی مسالمت‌آمیز، کشمکش‌های خشونت‌آمیز و غیره. چنین آگاهی‌هایی، رفتار و ویژگی‌های رفتاری را تشویق می‌کند که برای سایر افراد جامعه سودمند هستند؛ رفتارهایی از قبیل مدارا و همدلی. همچنین، رفتارهایی را که برای جامعه مضر هستند را نهی می‌کند؛ رفتارهایی از قبیل «کنش‌های بی‌نظم خشونت‌آمیز»^۲. چهارمین منفعت سرمایه اجتماعی این است که جریان اطلاعات را تسهیل می‌کند. آخرین منفعت سرمایه اجتماعی، توانایی آن در بهتر کردن زندگی افراد از طریق روش‌های روان‌شناسانه و زیست‌شناسانه می‌باشد. شواهد موجود حاکی از این است که مردمی که از نظر سرمایه اجتماعی غنی می‌باشند از عهده جراحات بهتر برمی‌آیند و با بیماری‌ها به‌طور مؤثرتری مبارزه می‌کنند (ویتام، ۲۰۰۷).

همان‌گونه که در بالا نشان داده شد، طبق نظر پاتنام در دو کتاب مذکور، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه (شبکه‌های مشغولیت مدنی) از یک طرف از طریق ایجاد فضایی که در آن افراد به مبادله افکار و عقاید خود می‌پردازند و با یکدیگر به گفت‌وگو می‌نشینند، باعث افزایش مدارا می‌گردد و از طرف دیگر، این شبکه‌های مشغولیت مدنی همان‌گونه که اُستروم^۳ نشان داده است بر اعتماد و همیاری تأثیر می‌گذارند (نیوتن، ۱۹۹۷: ۵۷۷)؛ بدین ترتیب که در معرض تعاملات درون‌گروهی چهره‌به‌چهره قرار گرفتن باعث گسترش هنجارهایی از قبیل اعتماد و همیاری می‌شود (سیگلر و ژوسلین، ۲۰۰۲: ۹ و براون، ۲۰۰۶: ۳). اعتماد و همیاری نیز به‌نوبه خود بر مدارا تأثیر می‌گذارند (براون، ۲۰۰۶: ۴)؛ بدین ترتیب که مردمی که ارتباطات فعال و اعتماد‌آمیز با یکدیگر دارند - چه فAMILI، چه دوستان یا بازیکنان بولینگ - خصوصیات شخصی مفید به حال جامعه در آن‌ها گسترش می‌یابد. این افراد مدارا جوت‌تر هستند، کمتر بدبین و خودخواه هستند و بیشتر با مشکلات دیگران همدلی دارند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۸۸). ویدمالم^۴ (۲۰۰۵) نیز تأثیر اعتماد بر مدارا را تأیید کرده و نشان داده است که اعتماد، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد درون‌گروهی و اعتماد برون‌گروهی با مدارا رابطه مثبت دارند. همچنین

1. Dilemmas
3. Ostrom

2. Random Acts of Violence
4. Widmalm

اونیکس و بولین^۱ نیز نشان داده‌اند که اعتماد تعمیم یافته در سطح فردی متغیر مستقل مهمی برای مدارا می‌باشد و حضور آن باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود (اونیکس و بولین، ۲۰۰۰: ۳۳).

۴. سوالات تحقیق

- میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی چقدر است؟
- میزان مدارا در بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی چقدر است؟
- آیا میزان مدارا در بین دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؟
- چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و مدارا وجود دارد؟
- بین ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد و مؤلفه‌های مدارا چه نوع رابطه‌ای وجود دارد؟

۵. روش شناسی

پژوهش حاضر از روش پیمایش^۲ و از نوع مقطعی^۳ آن بهره‌مند گردیده است. از میان تکنیک‌های گردآوری اطلاعات از پر کاربردترین آن‌ها یعنی پرسش‌نامه^۴ خود اجرا^۴ استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش فرد (دانشجو) می‌باشد و سطح تحلیل خرد است. جمعیت آماری این تحقیق، کلیه دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی می‌باشد که در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۷ مشغول به تحصیل بوده‌اند. بر اساس اطلاعات گردآوری شده از دانشکده‌های مذکور تعداد دانشجویان در مجموع ۲۷۸۶ نفر بوده که از این تعداد، ۹۴۱ و ۱۸۴۵ نفر به ترتیب در دانشکده‌های علوم اجتماعی تهران و علامه طباطبایی مشغول به تحصیل بوده‌اند. نمونه، بخشی از جمعیت آماری است که معرف کل آن جمعیت باشد. در پژوهش حاضر برای بالا بردن دقت نمونه‌گیری بنابه نظر مشاور آماری از واریانس و انحراف معیار متغیرهای اصلی در مطالعه مقدماتی برای تعیین برآورد حجم نمونه استفاده گردید؛ و تعداد ۲۰۱ نفر

1. Onyx & Bullen
3. Cross-sectional

2. Survey
4. Self-administrated Questionnaire

به‌عنوان نمونه پژوهش تعیین گردید که برای بالا بردن دقت، این تعداد به ۲۲۰ نفر افزایش یافت. پس از برآورد حجم نمونه، با استفاده از فرمول تقسیم‌نیم‌نمونه برای هرکدام از طبقات موجود در جمعیت آماری محاسبه گردیده است؛ بدین معنی که حجم نمونه در دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی به ترتیب ۶۰ و ۱۴۱ نفر محاسبه گردیده است.

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده گردیده است که با توجه به ویژگی‌های جمعیت آماری، این روش به صورت چند مرحله‌ای و متناسب صورت گرفته است. برای انجام نمونه‌گیری در ابتدا با مراجعه حضوری به دانشکده‌های مذکور، آمار دانشجویان براساس مقطع تحصیلی و جنسیت تهیه و سهم هرکدام از مقاطع تحصیلی به تفکیک جنسیت محاسبه گردیده است؛ بدین معنی که تعداد ۶۰ نفر در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و تعداد ۱۴۱ نفر در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به تناسب مقطع و جنسیت آن‌ها در جمعیت آماری مورد پرسش واقع شدند.

۱-۵. اعتبار و پایایی پرسش‌نامه

در این پژوهش، جهت برآورد اعتبار سؤالات پرسش‌نامه، از اعتبار محتوایی استفاده شده است. اعتبار محتوایی به معنی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران می‌باشد. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر پژوهشگران از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص گنجانده شده در سؤالات پرسش‌نامه معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند.

همچنین، برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسش‌نامه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. به این صورت که تعداد ۳۰ نفر (از هر دانشکده ۱۵ نفر) از پاسخگویان پرسش‌نامه تنظیم شده را تکمیل نمودند. پس از تکمیل، پرسش‌نامه‌های مذکور کدگذاری و در نرم‌افزار SPSS وارد شدند و پایایی آن‌ها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. سپس، با توجه به نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی، اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد تا اعتبار و پایایی آن افزایش یابد. جدول زیر حاوی اطلاعات مربوط به پایایی مقیاس‌های مورد سنجش می‌باشد.

جدول شماره ۳. ضریب آلفای مقیاس‌های تحقیق

نام متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا	نام متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
مدارا یا ادیان دیگر	۴	۰/۷۹	مدارا یا مجرمان	۳	۰/۴۵
مدارا یا اقلیت‌های مذهبی	۴	۰/۶۱	مدارای رفتاری	۳	۰/۷۴
مدارای قومی	۴	۰/۵۰	اعتماد بنیادی	۲	۰/۷۴
مدارای ملیتی	۳	۰/۷۰	اعتماد بین‌شخصی	۸	۰/۷۲
مدارای اجتماعی عمومی	۲	۰/۴۵	اعتماد تعمیم‌یافته	۳	۰/۴۶
مدارا یا فمینیست‌ها	۲	۰/۸۲	اعتماد نهادی	۶	۰/۸۵
مدارا یا ژورنالیست‌ها	۳	۰/۵۳	همیاری	۳	۰/۶۰
مدارا یا نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد	۲	۰/۶۹	شبکه‌های غیررسمی خیریه	۴	۰/۶۶
مدارای سیاسی عمومی	۳	۰/۶۴	شبکه‌های غیررسمی سیاسی	۵	۰/۶۱
مدارا یا دگرخواهان جنسی	۳	۰/۸۰	سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و درون‌گروهی	۳	۰/۵۸
مدارا یا هم‌جنس‌بازان	۳	۰/۸۵			

۲-۵. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

۱-۲-۵. مفهوم مدارا

مدارا به معنی احترام گذاشتن، پذیرش و درک غنای فرهنگ‌ها، و اشکال و شیوه‌های انسان بودن می‌باشد، که به وسیله آگاهی، گشودگی، ارتباط و آزادی اندیشه، وجدان و عقاید پرورش می‌یابد. مدارا هماهنگی در عین تفاوت است، که تنها یک وظیفه اخلاقی به شمار نمی‌رود بلکه یک نیاز قانونی و سیاسی می‌باشد. مدارا، فضیلتی که صلح را امکان‌پذیر می‌سازد، به جایگزینی «فرهنگ صلح» به جای «فرهنگ جنگ» کمک می‌کند (یونسکو، ۱۹۹۵: ۲). در ادامه، سه بعد مدارا که از نظریه و گت اقتباس شده است تعریف و به عملیاتی نمودن آن‌ها پرداخته خواهد شد. شایان ذکر است که تمامی شاخص‌های ساخته شده براساس طیف لیکرت بوده است؛ بدین معنی که از مجموعه‌ای از سؤالات بسته که از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف طبقه‌بندی شده‌اند، استفاده شده است.

منظور و گت از مدارای اجتماعی مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن می‌باشد، چه آن‌هایی که از هنگام تولد همراه با افراد است (مثل رنگ پوست و قومیت) و چه آن‌هایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند (فیلپس، ۲۰۰۴؛ کولینت، ۱۹۹۷). در این پژوهش برای مدارای اجتماعی چهار مؤلفه در نظر گرفته شده است که بدین ترتیب می‌باشند: مدارای دینی، قومیتی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی. قابل ذکر است که مدارای دینی، خود دارای دو شاخص مدارا با پیروان سایر ادیان و مدارا با اقلیت‌های مذهبی می‌باشد که مدارا با مسیحی‌ها به‌عنوان نماینده مدارای دینی در نظر گرفته شده است. مدارای سیاسی در نظر و گت، مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به

آزادی‌های مدنی^۱ دیگران می‌باشد (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶). به عبارت دیگر، مدارای سیاسی، مدارا نسبت به کسانی می‌باشد که در پی ایجاد خیر عمومی هستند (کولسنت، ۱۹۹۷). در پژوهش حاضر برای مدارای سیاسی نیز چهار مؤلفه در نظر گرفته شده است که عبارتند از: مدارا نسبت به فمینیست‌ها، ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد، و مدارای سیاسی عمومی

مدارای اخلاقی و رفتاری، مدارا نسبت به اعمال کسانی است که به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خودشان، خارج از فضای خیر عمومی، می‌باشند (فلیس، ۲۰۰۴، کولسنت، ۱۹۹۷). در این تحقیق برای این نوع از مدارا سه مؤلفه در نظر گرفته شده است که عبارتند از: مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، مجرمان و مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار. قابل ذکر است که مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، خود دارای دو شاخص مدارا نسبت به دگرخواهی جنسی و هم‌جنس‌بازی می‌باشد.

۲-۲-۵. مفهوم سرمایه اجتماعی

منظور پاتنام از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نظریه پاتنام، دو بعد شناختی و ساختاری برای سنجش سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است.

بعد شناختی سرمایه اجتماعی بیانگر جنبه کیفی سرمایه اجتماعی می‌باشد که به هنجارها، ارزش‌های مشترک و اعتماد اشاره دارد و به همین جهت امری ذهنی و نامحسوس است (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۶۸). در پژوهش حاضر برای این بعد، چهار مؤلفه در نظر گرفته شده که عبارتند از: اعتماد، همیاری، احساس سودمندی و آگاهی.

بعد ساختاری سرمایه اجتماعی نشانگر جنبه کمی سرمایه اجتماعی است که «نشانی از وجود انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی قوی بوده و نسبتاً عینی و قابل مشاهده می‌باشد» (همان: ۱۶۷). در واقع، این بخش از سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند. قابل ذکر است که این بعد از سرمایه اجتماعی خود شامل دو نوع پیوند میان افراد می‌شود: مشارکت در شبکه‌های رسمی و غیررسمی.

1. Civil Liberties

جدول شماره ۴. عملیاتی کردن متغیر مستقل و وابسته

مفهوم	بعد	مؤلفه	شاخص	
مدارا	مدارای اجتماعی	مدارای دینی	مدارا با سایر ادیان (مسیحی‌ها)	
			مدارا با اقلیت‌های مذهبی	
			-	
			مدارای قومی	
			مدارای ملیتی	
			مدارای اجتماعی عمومی	
	مدارای سیاسی	مدارا نسبت به فمنیست‌ها	مدارا با ژورنالیست‌ها	-
				-
				مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد
				-
				مدارای سیاسی کلی
				-
مدارای اخلاقی-رفتاری	مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی	مدارا نسبت به مجرمان	مدارا با دگرخواهی جنسی	
			مدارا با هم‌جنس‌بازها	
			-	
			مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار	
سرمایه اجتماعی	شناختی	اعتماد	اعتماد بنیادی	
			اعتماد بین‌شخصی	
			اعتماد تعمیم‌یافته	
			اعتماد نهادی	
			-	
			همیاری	
	ساختاری	شبکه‌های رسمی	شبکه‌های رسمی	انجمن‌های ورزشی
				انجمن‌های سیاسی
				انجمن‌های علمی
				انجمن‌های صنفی
				انجمن‌های فرهنگی
				انجمن‌های اجتماعی
شبکه‌های غیررسمی	شبکه‌های غیررسمی	شبکه‌های غیررسمی	مذهبی	
			خیریه	
			سیاسی	
			-	
			-	
			-	

برای سنجش سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی، شاخصی سه گویه‌ای طراحی شده که در یک طرف آن سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (انحصاری) و در طرف دیگر آن سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (ارتباطی) قرار گرفته است. در این مقیاس میزان ارتباط پاسخگوها با دانشجویان و اساتید سایر رشته‌ها سنجیده شده است. در ساختن این شاخص از کارکریشنا (۱۳۸۵) استفاده شده است.

۶. یافته‌های توصیفی

۱-۶. ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی پاسخگوها

در این پژوهش ۷۰/۹ درصد نمونه مورد بررسی زن و ۲۹/۱ درصد مرد بوده‌اند. همچنین از تعداد کل پاسخگوها ۷۴/۴ درصد در مقطع کارشناسی و ۲۵/۶ درصد در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده‌اند. قومیت ۶۷/۷، ۱۳/۲، ۱۲/۷، ۵/۹ و ۰/۵ درصد از پاسخگوها به ترتیب فارس، ترک، لر و ترکمن بوده است. به علاوه، ۸۹ درصد از پاسخگوها مجرد و فقط ۱۱ درصد از آن‌ها متأهل بوده‌اند.

۲-۶. توزیع فراوانی میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های

علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی

توزیع سرمایه اجتماعی پاسخگوها برحسب دانشکده و مقطع تحصیلی، که از ترکیب سه بعد هنجاری، ساختاری و منابع آن به دست آمده است در جدول شماره (۵) قابل ملاحظه می‌باشد. داده‌های این جدول حاکی از آن است که اکثر پاسخگویانی که در دانشگاه تهران (۵۵/۳ درصد آن‌ها) و علامه طباطبایی (۴۴/۳ درصد آن‌ها) مشغول به تحصیل می‌باشند از سطح متوسطی از سرمایه اجتماعی برخوردارند. همچنین ارقام جدول مذکور نشان می‌دهد که به ترتیب ۱۷/۳ و ۲۹/۲ درصد از پاسخگویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، میزان سرمایه اجتماعی زیاد و بسیار زیاد را گزارش کرده‌اند؛ بدین معنی که دانشجویان کارشناسی ارشد به نسبت مقطع کارشناسی سرمایه اجتماعی بیشتری را دارا می‌باشند.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی میزان سرمایه اجتماعی پاسخگوها براساس مقطع تحصیلی و

دانشکده

میزان سرمایه اجتماعی		خیلی زیاد		زیاد		تاحدودی		کم		خیلی کم	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
دانشکده و مقطع تحصیلی											
دانشگاه تهران											
کارشناسی	۰	۰/۰	۹	۱۷/۳	۲۸	۵۳/۸	۱۴	۲۶/۹	۱	۱/۹	۰
کارشناسی ارشد	۳	۱۲/۵	۴	۱۶/۷	۱۴	۵۸/۳	۳	۱۲/۵	۰	۰/۰	۰
جمع کل	۳	۳/۹	۱۳	۱۷/۱	۴۲	۵۵/۳	۱۷	۲۲/۴	۱	۱/۳	۰
دانشگاه علامه طباطبایی											
کارشناسی	۴	۴/۰	۲۰	۲۰/۲	۴۲	۴۲/۴	۳۱	۳۱/۳	۲	۲/۰	۰
کارشناسی ارشد	۱	۳/۱	۶	۱۸/۸	۱۶	۵۰/۰	۸	۲۵/۰	۱	۳/۱	۰
جمع کل	۵	۳/۸	۲۶	۱۹/۸	۵۸	۴۴/۳	۳۹	۲۹/۸	۳	۲/۳	۰

در مورد دانشگاه علامه طباطبایی، یافته‌های این جدول بیانگر آن است که به ترتیب ۳۳/۳ و ۲۸/۱ درصد از پاسخگویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد میزان کم و بسیار کمی از سرمایه اجتماعی را نشان داده‌اند؛ بدین معنی که سطح پایین سرمایه اجتماعی در دانشجویان مقطع کارشناسی گسترده‌تر می‌باشد. این یافته در حالی است که میزان نما^۱ در دانشجویان کارشناسی (۴۲/۴ درصد) به نسبت مقطع کارشناسی ارشد (۵۰/۰ درصد) پایین‌تر است.

۳-۶. توزیع فراوانی میزان مدارای پاسخگویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم

اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی

توزیع مدارای پاسخگوها برحسب دانشکده محل تحصیل و مقطع تحصیلی، که از ترکیب سه بعد مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی-رفتاری حاصل شده است در جدول شماره (۶) ترسیم شده است. یافته‌های جدول مذکور در وهله نخست نشان‌دهنده آن است که دو پنجم (۴۰ درصد) دانشجویان دانشگاه تهران میزان زیاد و بسیار زیاد مدارا را نشان داده‌اند، در حالی که همین میزان برای همتایانی که در دانشگاه علامه طباطبایی تحصیل می‌کنند حدود یک سوم (۳۴/۴ درصد) می‌باشد. در درجه دوم ارقام این جدول بیانگر آن است که میزان مدارای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران به ترتیب در سطح متوسط و بالایی بوده است؛ بدین معنی که بیش از نیمی (۵۹/۱ درصد) از دانشجویان کارشناسی ارشد و حدود یک سوم (۳۲/۱ درصد) پاسخگویان مقطع کارشناسی از سطح زیاد و بسیار زیادی از مدارا برخوردار بوده‌اند. بیشترین فراوانی (نما) مدارا در بین مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران به ترتیب متعلق به سطوح متوسط (۳۵/۸ درصد) و زیاد (۴۰/۹ درصد) مدارا بوده است.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی میزان مدارای پاسخگوها براساس مقطع تحصیلی و دانشکده

میزان مدارا		خیلی زیاد		زیاد		تأخوری		کم		خیلی کم	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
دانشگاه تهران	کارشناسی	۲	۳/۸	۱۵	۲۸/۳	۱۹	۳۵/۸	۱۲	۲۲/۶	۵	۹/۴
	کارشناسی ارشد	۴	۱۸/۲	۹	۴۰/۹	۶	۲۷/۳	۱	۴/۵	۲	۹/۱
	جمع کل	۶	۸/۰	۲۴	۳۲/۰	۲۵	۳۳/۳	۱۳	۱۷/۳	۷	۹/۳
دانشگاه علامه طباطبایی	کارشناسی	۷	۶/۹	۲۲	۲۱/۸	۳۲	۳۱/۷	۳۵	۳۴/۷	۵	۵/۰
	کارشناسی ارشد	۸	۲۶/۷	۸	۲۶/۷	۸	۲۶/۷	۶	۲۰/۰	۰	۰/۰
	جمع کل	۱۵	۱۱/۵	۳۰	۲۲/۹	۴۰	۳۰/۵	۴۱	۳۱/۳	۵	۳/۸

در مورد دانشگاه علامه طباطبایی، یافته‌های جدول مذکور حاکی از آن است که به ترتیب ۲۸/۷ و ۵۳/۴ درصد از پاسخگویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد از سطح بالا و بسیار بالای مدارا برخوردار بوده‌اند. بیشترین فراوانی (نما) مدارا در بین مقطع تحصیلی کارشناسی این دانشگاه متعلق به سطح پایین (۳۴/۷ درصد) مدارا بوده است، در حالی که همین آماره برای همتایانی که در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنند متعلق به سه سطح خیلی زیاد، زیاد و متوسط می‌باشد. به طور کلی یافته‌های جدول مذکور بیانگر آن است که میزان مدارا در بین دانشجویان دانشگاه تهران و مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد به نسب همتایان‌شان در دانشگاه علامه طباطبایی و مقطع کارشناسی بیشتر بوده است.

۴-۶. توزیع فراوانی میزان انواع سه‌گانه مدارا در بین پاسخگوها

در این مطالعه، مدارا دارای سه بعد اجتماعی، سیاسی، و اخلاقی-رفتاری می‌باشد. مدارای اجتماعی از یک طبقه‌بندی پنج‌گانه و هرکدام از انواع مدارای سیاسی و اخلاقی رفتاری از یک طبقه‌بندی چهارگانه برخوردار می‌باشند. تمامی ابعاد مدارا از سنجش مدارای پاسخگوها، در یک طیف پنج قسمتی (طیف لیکرت) به دست آمده است. توزیع فراوانی ابعاد سه‌گانه مدارا و مؤلفه و شاخص‌های آن‌ها به شرح جدول شماره (۷) می‌باشد.

داده‌های این جدول در وهله نخست، حکایت از آن دارد که میزان مدارای اجتماعی کل در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد و در وهله دوم نیز نشان‌دهنده آن است که از میان انواع پنج‌گانه این نوع از مدارا، مدارای اجتماعی عمومی، مدارا با مسیحی‌ها، مدارای ملیتی، قومیتی و مذهبی به ترتیب بیشترین میزان را دارا بوده‌اند. بالا بودن مدارای اجتماعی عمومی حکایت از آن دارد که متفاوت بودن افراد، مسئله چندانی برای دانشجویان در برقراری رابطه محسوب نمی‌گردد. دلیل این امر ممکن این باشد که در محیط اجتماعی ما، به خصوص دانشگاه‌ها، افراد متفاوت با آداب و رسوم گوناگون به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند.

در مرتبه بعدی، مدارای دینی (با مسیحی‌ها) نیز در سطح بالایی قرار دارد به طوری که فقط ۴ درصد از پاسخگوها از مدارای دینی اندک و بسیار اندک برخوردار بوده‌اند. وضعیت مدارای ملیتی نیز حاکی از مدارای نسبتاً زیاد می‌باشد به این ترتیب که مدارای ۶۲/۶ درصد از آن‌ها در سطح بسیار زیاد و زیاد قرار گرفته است. با توجه به پیشینه تاریخی کشور که گروه‌های متجاوز (مثل مغول‌ها) را به درون خود کشیده و خوی تجاوزگری آن‌ها را مهار کرده است می‌توان انتظار داشت که مدارای دینی و ملیتی در بین افراد چنین جامعه‌ای قوی باشد. همچنین، پذیرش افرادی که هویت قومی و مذهبی متفاوتی دارند و مدارا با آن‌ها تا حدی کمتر از سایر انواع مدارای

اجتماعی می‌باشد، ممکن است به دلیل آن باشد که تعاملات بین قومی و بین مذهبی در جامعه ایران در سطح پایینی بوده و عدم رابطه گسترده مانع از شناخت صحیح نسبت به یکدیگر شده است.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی میزان ابعاد سه گانه مدارای پاسخگوها

میانگین از (۵)	خیلی کم		کم		تاحدودی		زیاد		خیلی زیاد		میزان مدارا اجتماعی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴/۲۴	۰/۴	۱	۳/۶	۸	۱۵/۷	۳۵	۳۱/۸	۷۱	۴۸/۴	۱۰۸	مدارا با مسیحیت
۳/۴۵	۱/۸	۴	۱۷/۶	۳۹	۳۰/۶	۶۸	۳۲/۹	۷۳	۱۷/۱	۳۸	مدارا با اقلیت‌های مذهبی
۳/۵۳	۲/۳	۵	۱۰/۰	۲۲	۳۴/۴	۷۶	۳۸/۵	۸۵	۱۴/۹	۳۳	مدارای قومی
۳/۷۷	۴/۱	۹	۸/۷	۱۹	۲۴/۷	۵۴	۳۰/۶	۶۷	۳۲/۰	۷۰	مدارای ملیتی
۴/۴۲	-	-	۱/۴	۳	۱۰/۴	۲۳	۳۲/۴	۷۳	۵۵/۹	۱۲۴	مدارای عمومی
۳/۸۶	-	-	۳/۷	۸	۲۷/۸	۶۰	۴۶/۸	۱۰۱	۲۱/۸	۴۷	مدارای اجتماعی کل
مؤلفه‌های مدارای سیاسی											
۴/۲۵	۲/۷	۶	۴/۰	۹	۹/۳	۲۱	۳۳/۳	۷۵	۵۰/۷	۱۱۴	مدارا با فمینیست‌ها
۴/۳۳	-	-	۱/۸	۴	۱۰/۷	۲۴	۴۰/۴	۹۱	۴۷/۱	۱۰۶	مدارا با ژورنالیست‌ها
۴/۳۲	۰/۴	۱	۴/۵	۱۰	۱۲/۵	۲۸	۲۷/۷	۶۲	۵۴/۹	۱۲۳	مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد
۴/۴۷	-	-	۰/۹	۲	۹/۴	۲۱	۳۱/۷	۷۱	۵۸/۰	۱۳۰	مدارای سیاسی عمومی
۴/۵۶	-	-	۰/۵	۱	۵/۵	۱۲	۳۱/۴	۶۹	۶۲/۷	۱۳۸	مدارای سیاسی کل
مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدارای اخلاقی-رفتاری											
۲/۷۰	۳۳/۱	۵۲	۳۸/۰	۶۳	۲۰/۹	۴۷	۱۲/۰	۲۷	۱۶/۰	۳۶	مدارا با دگرخواهی جنسی
۳/۲۶	۱۱/۹	۲۶	۹/۶	۲۱	۳۵/۶	۷۸	۲۶/۵	۵۸	۱۶/۴	۳۶	مدارا با همجنس‌بازها
۳/۹۹	۰/۵	۱	۲/۷	۶	۲۷/۶	۶۱	۳۵/۷	۷۹	۳۳/۵	۷۴	مدارا با مجرمان
۲/۵۴	۲۱/۸	۴۸	۲۷/۳	۶۰	۳۴/۵	۷۶	۷/۳	۱۶	۹/۱	۲۰	مدارا با سبک‌های پوشش و رفتار
۳/۱۲	۱/۸	۴	۲۳/۴	۵۱	۴۲/۷	۹۳	۲۴/۸	۵۴	۷/۳	۱۶	مدارای اخلاقی-رفتاری کل

در رابطه با مدارای سیاسی و مؤلفه‌های آن، ارقام جدول مذکور به‌طور کلی حاکی از آن است که مدارای سیاسی در سطح بسیار بالایی می‌باشد، به طوری که مدارای سیاسی کلی اکثریت

مطلق (۹۴/۱ درصد) پاسخگوها در سطح بالا و بسیار بالا بوده است. از میان ابعاد چهارگانه مدارای مذکور، مدارای سیاسی عمومی، مدارا با ژورنالیست‌ها، نویسنده‌ها و تهیه‌کنندگان منتقد، و فمنیست‌ها به ترتیب بیشترین میزان را دارا بوده‌اند. بالا بودن سطح مدارای سیاسی عمومی نشان‌دهنده آن است که مدارا در سطوح مختلف اندیشگی در سطح خرد موجود می‌باشد، در صورتی که در سطح کلان، نمونه‌های بسیاری از عدم مدارای سیاسی در سطح جامعه مشاهده می‌شود. این امر، پارادوکس موجود میان مدارای سیاسی در سطح خرد و کلان را نشان می‌دهد. در کل مقیاس‌های مدارای سیاسی بیانگر این هستند که مدارا در سطح بسیار بالایی می‌باشد؛ مدارایی که لازمه شهروندی و دموکراسی می‌باشد.

در مورد مدارای اخلاقی - رفتاری داده‌های جدول فوق در وهله نخست نشان‌دهنده آن است که مدارای اخلاقی - رفتاری پاسخگوها در سطح متوسطی می‌باشد، به گونه‌ای که مدارای حدود یک سوم (۳۲/۱ درصد) از پاسخگوها در سطح بالا و بسیار بالا و حدود یک چهارم (۲۴/۹ درصد) آن‌ها پایین و بسیار پایین بوده است. در وهله دوم، ارقام جدول مذکور حاکی از آن است که از میان ابعاد چهارگانه مدارای اخلاقی - رفتاری، مدارا با مجرمان، هم‌جنس‌بازها، دگرخواهان جنسی و سبک‌های پوشش و رفتار به ترتیب بالاترین میزان را دارا بوده‌اند.

بالا بودن مدارا با مجرمان حاکی از آن است که بیش از دو سوم (۶۹/۲ درصد) پاسخگوها، مجرمان را محصول شرایط بد اجتماعی - اقتصادی می‌دانند که در برخورد با آن‌ها باید به فکر اصلاح آن‌ها بود و از برخوردهای خشن و غیرانسانی با آن‌ها خودداری کرد. مدارا با هم‌جنس‌بازها در مرتبه بعدی قرار گرفته است. این امر بدان معنی است که هویت جنسی مسئله چندانی برای دانشجویان در برقراری رابطه محسوب نمی‌گردد.

مدارا نسبت به دگرخواهی جنسی، با تفاوتی قابل توجه، بعد از مدارا نسبت به هم‌جنس‌بازها قرار دارد. بدین ترتیب که بیش از نیمی (۵۱/۱ درصد) از پاسخگوها از سطح مدارای اندک و بسیار اندک نسبت به دگرخواهان جنسی بهره‌مند هستند. دلیل این امر، یعنی پایین بودن مدارا نسبت به دگرخواهی جنسی، ممکن است تعهداتی باشد که در جامعه ما نسبت به روابط دختر و پسر قبل از ازدواج و زن و مرد بعد از ازدواج وجود دارد. در واقع، جامعه ما بسیاری از عناصر سنتی را حفظ نموده، خانواده را نهادی مقدس می‌داند که نباید از اصول و ارزش‌های آن تخطی نمود.

مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار که از سایر انواع مدارا از سطح پایین‌تری برخوردار است حاکی از آن است که تقریباً نیمی (۴۹/۱ درصد) از پاسخگوها با توجه به نوع پوشش و رفتار سایرین با آن‌ها رابطه برقرار می‌کنند. پایین بودن مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار

و در مقابل بالاتر بودن مدارا نسبت به هم‌جنس‌بازها تا حدی ناشی از این امر است که حفظ ظاهر در روابط اجتماعی، در جامعه‌ای که بین سنت و مدرنیسم معلق مانده است، هنوز امری مهم تلقی می‌شود.

۵-۶. توزیع فراوانی میزان اعتماد پاسخگوها

جدول شماره ۸ (توزیع فراوانی میزان اعتماد را در بین پاسخگوها نشان می‌دهد. ارقام این جدول نشان‌دهنده آن است که از میان ابعاد چهارگانه اعتماد: اعتماد بین شخصی، بنیادی، نهادی و تعمیم‌یافته به ترتیب بیشترین میزان را دارا بوده‌اند. قابل ذکر است که میزان ابعاد چهارگانه اعتماد، همانند سایر شاخص‌ها، از بررسی اعتماد پاسخگوها، در یک طیف پنج قسمتی (طیف لیکرت) سنجیده شده است.

جدول شماره ۸. توزیع فراوانی میزان انواع اعتماد در بین پاسخگوها

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		تاحدودی		کم		خیلی کم		میانگین
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
انواع اعتماد	۹/۵	۲۱	۴۵/۰	۱۰۰	۱۶/۲	۳۶	۱۹/۴	۴۳	۹/۹	۲۲	۳/۲۴
اعتماد بنیادی	۱۰/۰	۲۲	۴۶/۶	۱۰۳	۳۷/۶	۸۳	۵/۴	۱۲	-/۵	۱	۳/۶۰
اعتماد بین شخصی	-	-	۴/۱	۹	۴۳/۶	۹۶	۳۹/۵	۸۷	۱۲/۷	۲۸	۲/۳۹
اعتماد تعمیم‌یافته	۲/۲	۵	۱۷/۳	۳۹	۴۱/۲	۹۳	۳۰/۱	۶۸	۹/۳	۲۱	۲/۷۳
اعتماد نهادی	-	-	۲۴/۹	۵۴	۵۹/۰	۱۲۸	۱۵/۷	۳۴	۰/۵	۱	۳/۰۸
اعتماد کلی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

میزان اعتماد نهادی که از سنجش اعتماد مردم نسبت به نهادهای دولتی به دست آمده است، حکایت از آن دارد که میزان اعتماد نهادی بیش از یک سوم (۳۹/۴ درصد) پاسخگوها کم و بسیار کم و حدود یک چهارم (۱۹/۵ درصد) آن‌ها زیاد و بسیار زیاد می‌باشند. پایین بودن نسبی میزان اعتماد نهادی گواه آن است که ادارات و نهادهای، که جزء پیکره مدنی جامعه محسوب می‌شوند، نقش خود را به درستی ایفا نمی‌کنند.

۷. یافته‌های تحلیلی

۷-۱. آزمون تفاوت میانگین مدارای کل برحسب مقطع تحصیلی و دانشکده

تفاوت میانگین مدارای کل برحسب مقطع تحصیلی و دانشکده، که از ترکیب سه بعد مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی-رفتاری تهیه شده، در جدول شماره ۹ (ترسیم شده است. یافته‌های این جدول بیانگر آن است که میانگین میزان مدارا برای دانشجویان مقطع کارشناسی

۱۴۰/۱۹ و برای هم‌تایان دوره کارشناسی ارشد ۱۵۲/۲۷ بوده است. آزمون t نشان‌دهنده آن است تفاوت مشاهده‌شده بین دو مقطع تحصیلی مذکور به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بدین معنی که با افزایش سطح تحصیلات میزان مدارا نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۹. مقایسه میزان مدارای کلی پاسخگوها برحسب مقطع تحصیلی

متغیر	طبقات پاسخها	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
مدارای کل	کارشناسی	۱۴۰/۱۹	۱۹/۷۶	-۳/۷۳	۸۶	۰/۰۰۰
	کارشناسی ارشد	۱۵۲/۲۷	۲۰/۳۱			
	دانشگاه تهران	۱۴۴/۴۳	۱۹/۶۳	۰/۶۴	۱۶۳	
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۴۲/۵۶	۲۱/۰۸			

به‌علاوه، داده‌های جدول مذکور حاکی از آن است که میانگین مدارای کل برای دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۴۴/۴۳ و برای هم‌تایان آن‌ها در دانشگاه علامه طباطبایی ۱۴۲/۵۶ بوده است. آزمون آماری نشان داد که تفاوت مشاهده‌شده بین دو دانشکده مذکور به لحاظ مدارای کل از نظر آماری معنادار نبوده است. در ادامه به بررسی رابطه بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی با مدارا پرداخته می‌شود.

۲-۷. آزمون ضریب همبستگی بین انواع اعتماد با مدارا

رابطه بین انواع اعتماد و ابعاد سه‌گانه مدارا در جدول شماره (۱۰) ترسیم شده است. داده‌های این جدول حاکی از آن است اعتماد نهادی با هر سه بعد مدارا رابطه‌ای منفی و معنادار را در سطح متوسط نشان داده است. بدین معنی که هرچه میزان اعتماد نهادی در بین پاسخگوها بیشتر باشد میزان مدارا در بین آن‌ها در سطح پایین‌تری قرار خواهد داشت. رابطه منفی بین اعتماد نهادی و مدارا به این دلیل می‌باشد که میزان اعتماد نهادی (که از سنجش اعتماد پاسخگوها نسبت به ادارات و نهادهای دولتی به دست آمده است) پاسخگوها به‌منزله اعتماد به دستگاه‌های اداری دولت، و یا حتی ایدئولوژی حاکم، نیز می‌باشد و از آن‌جا که سیاست‌های دولت در جهت برآورده کردن حقوق مدنی «دگراندیشان» و «دگرباشان» نمی‌باشد، طبیعی است که افرادی که از میزان بالایی از این نوع اعتماد برخوردارند (یا اعتمادشان به دولت در سطح بالایی می‌باشد) نسبت به دیگران متفاوت مدارا پیشه نکنند. از میان ابعاد سه‌گانه مدارا، اعتماد تعمیم‌یافته تنها با مدارای اجتماعی رابطه معنادار دارد؛ بدین معنی که هرچه میزان اعتماد تعمیم‌یافته افراد بیشتر باشد میزان این‌گونه از مدارا نیز در آن‌ها بیشتر خواهد بود.

جدول شماره ۱۰. ضریب همبستگی انواع اعتماد با مدارا و ابعاد آن

انواع اعتماد		اعتماد بنیادی		اعتماد بین شخصی		اعتماد تعمیم یافته		اعتماد نهادی	
متغیر مدارای اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی
مدارای اجتماعی	-۰/۱۰۴	۰/۱۳۶	-۰/۰۲۷	۰/۷۰۱	۰/۱۵۰	۰/۰۳۱	-۰/۳۵۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مدارای سیاسی	-۰/۰۹۷	۰/۱۶۱	۰/۰۰۵	۰/۹۴۵	۰/۱۰۰	۰/۱۴۸	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مدارای اخلاقی-رفتاری	-۰/۱۳۴	۰/۰۵۲	-۰/۱۹۶	۰/۰۰۴	۰/۰۴۹	۰/۴۷۷	-۰/۴۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

اعتماد بین شخصی نیز تنها با یکی از ابعاد مدارا، یعنی مدارای اخلاقی-رفتاری، رابطه معنادار دارد که شدت این رابطه نسبتاً ضعیف و جهت آن معکوس بوده است؛ یعنی با افزایش میزان اعتماد بین شخصی میزان این نوع از مدارا در بین پاسخگوها کاهش می‌یابد. وجود رابطه معکوس با اعتماد بین شخصی یافته‌ای عجیب می‌باشد؛ بسدین معنی که حضور اعتماد بین شخصی قاعداً منجر به تقویت روحیه تعاملی و پرهیز از حالت تدافعی شده و در نتیجه گسترش مدارا را تسهیل می‌نماید، درحالی‌که یافته‌های این تحقیق مؤید نظر فوق نمی‌باشد. به علاوه، ارقام جدول مذکور حکایت از آن دارد که اعتماد بنیادی با هیچ‌کدام از ابعاد مدارا رابطه معناداری ندارد.

۳-۷. آزمون ضریب همبستگی بین همیاری، احساس سودمندی و آگاهی با مدارا

جدول شماره (۱۱) رابطه بین سه مورد از مؤلفه‌های بعد شناختی سرمایه اجتماعی، یعنی همیاری، احساس سودمندی و آگاهی، را با مدارا و ابعاد آن نشان می‌دهد. یافته‌های این جدول حاکی از آن است که از میان ابعاد مدارا، همیاری تنها با مدارای اجتماعی رابطه معنادار دارد که شدت آن متوسط و جهت آن مستقیم می‌باشد. وجود رابطه مثبت معنادار بین همیاری و مدارای اجتماعی حاکی از آن است که کسانی که بیشتر به همسایه و دوستان خود کمک می‌کنند و از نوع دوستی بیشتری برخوردار می‌باشند مدارای بیشتری را دارا می‌باشند.

جدول شماره ۱۱. ضریب همبستگی همیاری، احساس سودمندی و آگاهی با مدارا و ابعاد آن

متغیر مستقل		همیاری		احساس سودمندی		آگاهی	
		سطح همبستگی	سطح معناداری	سطح همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
متغیر مدارا		۰/۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۰	۰/۶۶۶	۰/۰۸۹	۰/۲۰۰
مدارای اجتماعی		۰/۱۰۰	۰/۱۴۵	۰/۰۲۹	۰/۶۷۳	۰/۰۲۶	۰/۷۰۷
مدارای سیاسی		۰/۰۸۴	۰/۲۲۲	-۰/۰۵۸	۰/۴۰۵	-۰/۰۹۳	۰/۱۷۶
مدارای اخلاقی-رفتاری							

آزمون ضریب همبستگی بین احساس سودمندی و آگاهی با ابعاد سه‌گانه مدارا نشان می‌دهد که در تمامی موارد مذکور فرضیه صفر مورد تأیید قرار گرفته است؛ بدین معنی که بین آگاهی و احساس سودمندی پاسخگوها و میزان مدارای آن‌ها رابطه معناداری مشاهده نشده است.

۴-۷. آزمون ضریب همبستگی بین مشارکت در شبکه‌های غیررسمی با مدارا

رابطه بین مشارکت در شبکه‌های غیررسمی، که از طبقه‌بندی سه‌گانه مذهبی، خیریه و سیاسی تشکیل شده است، با مدارا و ابعاد سه‌گانه آن در جدول شماره (۱۲) ترسیم شده است. چنانچه در جدول مذکور مشاهده می‌شود از میان ابعاد سه‌گانه مدارا، مشارکت در شبکه‌های مذهبی تنها با مدارای اجتماعی رابطه معناداری را نشان داده است که شدت این رابطه متوسط و جهت آن مستقیم می‌باشد. از آنجا که مشارکت در شبکه‌های غیررسمی مذهبی با شرکت پاسخگوها در مباحث مذهبی در محافل دوستانه سنجیده شده است، طبیعی است افرادی که حاضر به شنیدن آرا و نظرات دیگران هستند از میزان بالایی از این نوع مدارا برخوردار باشند. بدین معنی که افراد از خلال بحث در محافل دوستانه به تجربه می‌آموزند که دیگران متفاوتی وجود دارند که همانند آن‌ها باید از حقوق مساوی برخوردار باشند.

جدول شماره ۱۲. ضریب همبستگی مشارکت در شبکه‌های غیررسمی با مدارا و ابعاد آن

متغیر مستقل		مذهبی		خیریه		سیاسی	
		سطح همبستگی	سطح معناداری	سطح همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
متغیر مدارا		۰/۲۰۱	۰/۰۰۴	-۰/۰۳۴	۰/۶۳۰	۰/۲۳۴	۰/۰۰۱
مدارای اجتماعی		۰/۰۱۲	۰/۸۵۷	-۰/۱۱۸	۰/۰۹۲	۰/۱۶۴	۰/۰۱۸
مدارای سیاسی		۰/۰۰۴	۰/۹۵۴	-۰/۱۰۸	۰/۱۲۲	۰/۲۴۰	۰/۰۰۰
مدارای اخلاقی-رفتاری							

یافته‌های جدول مذکور حاکی از آن است که مشارکت در شبکه‌های خیریه با هیچ‌کدام از ابعاد مدارا رابطه معناداری نداشته است. علی‌رغم این‌که بین شبکه‌های خیریه و مدارا رابطه معناداری وجود ندارد اما معکوس بودن رابطه بین این دو متغیر به دلیل آن است که مشارکت در شبکه‌های خیریه با مشارکت پاسخگوها در جشن عاطفه‌ها و نیکوکاری و... سنجیده شده است و از آن‌جا که این فعالیت‌ها با بدنه دولت ارتباط دارد همانند اعتماد نهادی طبیعی است که جهت این رابطه معکوس باشد. در مورد شبکه‌های غیررسمی سیاسی، ارقام جدول مذکور نشان می‌دهد که مشارکت در شبکه‌های غیررسمی سیاسی با تمام ابعاد مدارا رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد؛ یعنی به مراتب این‌که مشارکت در شبکه‌های غیررسمی سیاسی بیشتر باشد میزان مدارا نیز بیشتر خواهد بود.

۵-۷. آزمون ضریب همبستگی بین مشارکت در شبکه‌های رسمی با مدارا

رابطه بین مشارکت در شبکه‌های رسمی، که از یک طبقه‌بندی سیزده‌گانه برخوردار بوده، با مدارا و ابعاد آن در جدول شماره (۱۳) ترسیم شده است. چنان‌چه در این جدول ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین عضویت در شبکه‌های رسمی با ابعاد سه‌گانه مدارا نزدیک به صفر می‌باشد و حتی جهت رابطه مذکور در مورد مدارای سیاسی معکوس می‌باشد. اما در بررسی رابطه میزان عضویت در شبکه‌های رسمی با مدارا و ابعاد آن، به خصوص هنگامی که عضویت در بسیج دانشجویی کنترل می‌شود، نتایج دیگری به دست می‌آید بدین معنی که رابطه اولیه رابطه‌ای کاذب^۱ بوده است و کل رابطه تحت تأثیر پاسخگویی قرار گرفته است که در بسیج دانشجویی عضویت داشته‌اند. همان‌طور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود رابطه بین این دو متغیر بعد از کنترل عضویت در بسیج، رابطه‌ای مثبت و معنادار می‌باشد. یعنی به مراتب این‌که افراد در انجمن‌های بیشتری عضو می‌شوند، البته به غیر از بسیج، فضای گفت‌وگو و تعامل بیشتری برای آن‌ها فراهم می‌شود و از طریق چنین فضایی که در آن با اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت آشنا می‌شوند میزان مدارای آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. البته این یافته برای تمامی شبکه‌ها به جز بسیج دانشجویی صادق است.

1. Spurious correlation

جدول شماره ۱۳. ضریب همبستگی عضویت در شبکه‌های رسمی با مدارا و ابعاد آن

انواع ضرایب همبستگی		ضریب همبستگی معمولی		ضریب همبستگی تفکیکی (با کنترل عضویت در بسیج دانشجویی)
متغیر مدارا		سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مدارای اجتماعی	۰/۰۰۸	۰/۹۰۶	۰/۱۶۲	۰/۰۱۹
مدارای سیاسی	-۰/۰۰۲	۰/۹۷۳	۰/۱۳۷	۰/۰۴۵
مدارای اخلاقی-رفتاری	۰/۰۰۱	۰/۹۹۰	۰/۱۳۹	۰/۰۴۳

۶-۷. تحلیل رگرسیونی چندمتغیره برای تبیین مدارای کل

تمامی روش‌های الگوسازی^۱ موجود در نرم‌افزار SPSS بر مبنای چگونگی آزمون میزان تغییرات R2 به هنگام ورود و خروج متغیرها از معادله صورت می‌گیرد. با ذکر این‌که پژوهش حاضر از روش گام‌به‌گام^۲ بهره‌مند گردیده است باید ذکر کرد که این روش رایج‌ترین روش مورد استفاده برای انتخاب متغیرها می‌باشد. در این روش ابتدا متغیری وارد معادله می‌شود که بیشترین میزان R2 را دارا باشد، با ورود هر متغیر جدید تمامی متغیرهای موجود در معادله مجدداً مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و هرکدام از آن‌ها شرط خروج را داشته باشد از معادله خارج می‌شود. قابل ذکر است که در این روش شرط ورود سخت‌تر از شرط خروج می‌باشد (نوروسیس^۳، ۲۰۰۵: ۲۵۷).

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره مدارای کل (که از ترکیب مدارای اجتماعی، سیاسی، و اخلاقی-رفتاری تشکیل شده است) که شامل متغیرهای سرمایه اجتماعی و برخی از متغیرهای زمینه‌ای است که در پژوهش حاضر مورد سنجش واقع شده‌اند در جدول شماره (۱۴) ترسیم شده است. یافته‌های این جدول بیانگر آن است که متغیرهای مستقلی که در معادله رگرسیونی باقی مانده‌اند سرجمع به میزان ۰/۳۰۴ با مدارای کل رابطه دارند و این متغیرها به‌طور همزمان ۳۲/۵ درصد از واریانس مدارای کل را تبیین می‌کنند.

1. Model-building
3. Norusis

2. Stepwise

جدول شماره ۱۴. خلاصه مدل رگرسیونی چندمتغیره برای تبیین مدارای کل

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Anova(F)	Sig
شماره یک	۰/۴۵۸	۰/۲۱۰	۰/۲۰۴	۳۵/۳۰۹	۰/۰۰۰
شماره دو	۰/۵۲۹	۰/۲۸۰	۰/۲۶۹	۲۵/۶۸۵	۰/۰۰۰
شماره سه	۰/۵۵۱	۰/۳۰۳	۰/۲۸۷	۱۹/۰۱۷	۰/۰۰۰
شماره چهار	۰/۵۷۰	۰/۳۲۵	۰/۳۰۴	۱۵/۶۴۷	۰/۰۰۰

جدول شماره ۱۵. ضرایب تأثیر مدل نهایی تبیین‌کننده مدارای کل

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد (B)	Std.error	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	T-value	Sig	آماره‌های هم‌خطی
مقدار ثابت	۱۲۷/۸۳۳	۱۳/۴۹۷		۹/۴۷۱	۰/۰۰۰	Tolerance VIF
اعتماد نهادی	-۱/۶۵۹	۰/۳۱۸	-۰/۳۸۶	-۵/۲۱۸	۰/۰۰۰	۰/۹۵۰ ۱/۰۵۳
سن	۱/۷۳۶	۰/۴۸۸	۰/۲۶۴	۳/۵۵۴	۰/۰۰۱	۰/۹۴۰ ۱/۰۶۴
شبکه غیررسمی سیاسی	۱/۳۳۵	۰/۴۶۸	۰/۲۴۱	۲/۸۵۱	۰/۰۰۵	۰/۷۲۸ ۱/۳۷۴
سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی	-۱/۱۲۱	۰/۵۵۰	-۰/۱۷۱	-۲/۰۴۰	۰/۰۴۳	۰/۷۳۵ ۱/۳۶۱

گام نخست (مدل شماره یک) از تحلیل رگرسیونی فوق بیانگر آن است که متغیر اعتماد نهادی مؤثرترین متغیر بر مدارای کل بوده است؛ بدین صورت که میزان ضریب همبستگی این متغیر با مدارای کل ۰/۲۰۴ بوده و به تنهایی ۲۱ درصد از تغییرپذیری متغیر وابسته (مدارای کل) را تبیین می‌کند. در گام بعدی (مدل شماره دو) متغیر سن وارد معادله رگرسیونی شده است که با ورود این متغیر ضریب همبستگی اصلاح شده با افزایشی معادل ۰/۰۶۵ واحد، از ۰/۲۰۴ به ۰/۲۶۹ رسیده است. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از واریانس مدارای کل توسط اعتماد نهادی و سن تبیین می‌شود. به همین نحو در گام بعدی (مدل شماره سه) متغیر شبکه غیررسمی سیاسی وارد معادله رگرسیونی شده است. با ورود این متغیر، ضریب همبستگی به ۰/۲۸۷ افزایش یافته است.

آخرین گام از تحلیل رگرسیونی مذکور بیانگر آن است که با ورود سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی به معادله رگرسیونی میزان ضریب همبستگی اصلاح شده به ۰/۳۰۴ رسیده است. ضریب تأثیر استاندارد (Beta) حکایت از آن دارد که چهار متغیر اعتماد نهادی، سن، شبکه غیررسمی سیاسی و سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی

سرجمع، ۳۲/۵ درصد از واریانس مدارای کل را تبیین می‌کنند.

جدول شماره (۱۵) فهم دقیق‌تری را از شدت و جهت تأثیرات متغیرهای مستقل بر مدارای کل فراهم می‌آورد. یافته‌های این جدول بیانگر آن است که از میان چهار متغیر موجود در معادله رگرسیونی، متغیر اعتماد نهادی به بهترین وجه تغییرات متغیر وابسته (مدارای کل) را تبیین می‌کند؛ بدین صورت که ضریب تأثیر استاندارد (Beta) این متغیر ۰/۳۸۶- می‌باشد که ضمن تأثیرگذاری معکوس و متوسط بر مدارای کل، آشکار می‌سازد که هرچه سطح اعتماد نهادی پاسخگوها بیشتر باشد از میزان مدارای کل آن‌ها کاسته خواهد شد. در مرتبه دوم تأثیرگذاری باید از متغیر سن نام برد که از ضریب تأثیر استاندارد معادل ۰/۲۶۴ برخوردار است. این ضریب حکایت از آن دارد که هرچه سن افراد بیشتر می‌شود، میزان مدارای کلی آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت و برعکس، هرچه سن افراد کمتر باشد از میزان نازل‌تری از مدارای کل برخوردار هستند. مرتبه سوم تأثیرگذاری با ضریب تأثیر استاندارد ۰/۲۴۱- به شبکه‌های غیررسمی سیاسی تعلق دارد. این ضریب نشان می‌دهد که با افزایش میزان مشارکت پاسخگوها در شبکه‌های غیررسمی سیاسی به میزان مدارای کلی آن‌ها نیز افزوده می‌شود. در مرتبه آخر از روند تأثیرگذاری باید از متغیر سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی نام برد که ضریب تأثیر استاندارد آن برابر ۰/۱۷۱- می‌باشد؛ بدین معنی که با افزایش سرمایه اجتماعی انحصاری از میزان مدارا کاسته و با تقویت سرمایه اجتماعی ارتباطی بر میزان مدارا افزوده می‌شود.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که میزان سرمایه اجتماعی پاسخگوها در سطح متوسطی بوده است. این میزان برای دانشجویانی که در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده‌اند به نسبت هم‌تایان‌شان در مقطع کارشناسی بیشتر بوده است. در مورد میزان مدارا نیز پژوهش حاضر نتایج مشابهی را نشان داده است؛ بدین معنی که با افزایش تحصیلات بر میزان مدارا افزوده می‌شود؛ یعنی افرادی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند متمایل به حمایت از آزادی‌های مدنی برای گروه‌های مختلف می‌باشند. این یافته، مطابق با یافته‌های نسی داینین (۲۰۰۱) و بهمن‌پور (۱۳۷۸) نیز می‌باشد. میزان مدارا در دو دانشکده مورد مطالعه تفاوت معناداری را نشان نداده است؛ بدین معنی که فرضیه صفر در این باره مورد تأیید قرار گرفته است.

همچنین، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که از میان ابعاد سه‌گانه مدارا، مدارای سیاسی، اجتماعی، و اخلاقی - رفتاری به ترتیب با میانگین ۴/۵۶، ۳/۸۶ و ۳/۱۲ بیشترین میزان مدارا را

دارا می‌باشند. این امر بیانگر آن است که هر چقدر مدارا به سمت امور انتزاعی حرکت می‌کند میزان آن افزایش می‌یابد، درحالی‌که با حرکت به سمت مدارای عینی‌تر، که نمود آن را بیشتر در مدارای اخلاقی-رفتاری و کمتر در مدارای اجتماعی می‌بینیم، میزان مدارا رو به کاهش می‌گذارد. البته بالاتر بودن میزان مدارای سیاسی ممکن است در نتیجه آزادی‌های سیاسی باشد؛ بدین ترتیب که آزادی‌های سیاسی مذکور (از قبیل فعالیت‌های جنبش دانشجویی، فمینیستی، کارگری و غیره) باعث گسترش گفتمان دموکراتیک و همراه با تساهل در سطح جامعه گردیده و به نوعی، احساس مسئولیت در برابر «غیر» را در افراد ایجاد کرده است.

از میان متغیرهای بعد شناختی سرمایه اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی تنها با مدارای اخلاقی-رفتاری رابطه معناداری را نشان داده است که جهت این رابطه معکوس می‌باشد. این یافته در حالی است که مطابق با چارچوب نظری تحقیق حاضر اعتماد بین‌شخصی قاعدتاً باید منجر به تقویت روحیه تعاملی و پرهیز از حالت تدافعی شده و در نتیجه گسترش مدارا را تسهیل نماید، اما تحقیق حاضر وجود این رابطه را تأیید نمی‌کند. وجود چنین نتیجه‌ای به دلیل آن است که سوالاتی که اعتماد بین‌شخصی را سنجیده‌اند همزمان اعتماد درون‌گروهی (که مانع مدارا می‌باشد) را نیز مورد سنجش قرار داده‌اند. همچنین، همانند دیدگاه پاتولنی^۱ (۲۰۰۵)، براون (۲۰۰۶)، ویدمالم (۲۰۰۵) و اونیگس و بولین (۲۰۰۰) نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اعتماد تعمیم‌یافته با تمامی ابعاد سه‌گانه مدارا رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد؛ بدین معنی که هرچه میزان اعتماد تعمیم‌یافته افراد بیشتر باشد بر میزان مدارای آن‌ها نیز افزوده خواهد شد. در واقع، با استقرار اعتماد تعمیم‌یافته، که دامنه آن از افرادی که آن‌ها را به‌طور مستقیم می‌شناسیم فراتر رفته و کسانی را دربرمی‌گیرد که تعامل چندانی با آن‌ها نداریم، در یک کنش‌گر، فرد رابطه مسالمت‌آمیزی با دیگران برقرار می‌کند و حقوق و آزادی‌های دیگران متفاوت را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق حاضر هم‌گام با کار ایکدا (۲۰۰۲) نشان داد که اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه‌ای معکوس و معنادار دارد. یعنی هرچه میزان اعتماد نهادی افراد بیشتر باشد میزان مدارای آن‌ها در سطح پایین‌تری قرار خواهد داشت. بالا بودن میزان اعتماد نهادی که به‌منزله اعتماد به بروکراسی دولتی و تطابق با اندیشه‌های حاکم بر جامعه می‌باشد، مانعی اساسی بر سر راه اندیشه مدارا می‌باشد. از میان ابعاد سه‌گانه مدارا، همیاری تنها با مدارای اجتماعی رابطه دارد؛ بدین معنی که با افزایش روحیه نوع‌دوستی و کمک به هم‌نوع، میزان این‌گونه از مدارا نیز افزایش می‌یابد. در واقع، همیاری که بر دغدغه‌های نوع‌دوستانه انگشت

1. Patulny

می‌گذارد، احترام به حقوق و آزادی‌های انسان‌های متفاوت که تفاوت آن‌ها به صورت طبیعی و ارثی (مدارای قومی، مذهبی، دینی و غیره) می‌باشد را برمی‌تابد. اما حضور چنین دغدغه‌هایی، مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که افراد در انتخاب آن‌ها از اختیار برخوردار هستند (از قبیل ویژگی‌هایی که در مدارای سیاسی و اخلاقی - رفتاری مدنظر است) را بر نمی‌تابد.

از میان متغیرهای بعد ساختاری، بعد از کنترل عضویت در بسیج، همانند دیدگاه‌های پاول هوه^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، سیگلرو ژوسلین (۲۰۰۲) و چلبی و امیرکافی (۱۳۸۵) عضویت در شبکه‌های رسمی با انواع سه‌گانه مدارا رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد؛ یعنی به مراتب این‌که افراد در انجمن‌های بیشتری عضویت داشته باشند، به دلیل این‌که از فضای گفت‌وگو و تعامل بیشتری برخوردار می‌شوند، از طریق چنین فضایی ضمن آشنایی با اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت، میزان مدارای آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. شبکه‌های غیررسمی سیاسی نیز وضعیت مشابهی دارند، بدین معنی که با افزایش فعالیت افراد در چنین شبکه‌هایی میزان مدارای آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. از آن‌جا که مشارکت در شبکه‌های غیررسمی سیاسی با شرکت در راهپیمایی‌ها و امضای اعتراض‌نامه و غیره سنجیده شده است، طبعی است افرادی که به فعالیت سیاسی (راهپیمایی و تهیه اعتراض‌نامه) برای احقاق حقوق خود و دیگران می‌پردازند از میزان بالایی از مدارا برخوردار باشند. بدین معنی که «گشودگی اجتماعی»^۲ افراد از خلال فعالیت سیاسی توسعه یافته و به تجربه می‌آموزند که دیگران متفاوتی وجود دارند که همانند آن‌ها باید از حقوق مساوی برخوردار باشند.

نتایج تحلیل رگرسیونی پژوهش حاضر نشان داد که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای، در نهایت تنها چهار متغیر اعتماد نهادی، سن، شبکه‌های غیررسمی سیاسی و سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی در معادله رگرسیونی باقی مانده است که متغیرهای مذکور به ترتیب مؤثرترین تبیین‌کننده‌های مدارا می‌باشند. همان‌گونه که در رگرسیون ملاحظه می‌شود، به رغم این‌که بسیاری از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و برخی از متغیرهای زمینه‌ای در بخش همبستگی‌ها و تفاوت میانگین یافته‌های تحقیق با مدارا و ابعاد آن رابطه معناداری داشتند، ورود همزمان و حذف و خنثی نمودن تأثیرات متقابل متغیرها به صورت همزمان، باعث کاهش تعداد متغیرهای تأثیرگذار بر مفهوم کلی مدارا در رگرسیون گردید. یافته‌های تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای مستقلی که در معادله رگرسیونی باقی مانده‌اند به‌طور همزمان ۳۲/۵ درصد از واریانس مدارای کل را تبیین می‌کنند.

1. Paul Howe

2. Social Openness

نتایج این پژوهش نشان داد که اعتماد نهادی در بین پاسخگوها در سطح پایینی بوده است که این امر مطابق با نظر آوفا است که معتقد است: اعتماد به نهادها به دلایل زیر عمیقاً اشتباه، ساده‌انگارانه و شی پرستانه است:

وی معتقد است که نهادها، ناقص، مبهم و بحث‌انگیز هستند. زیرا اولاً، قوانین نهادی هرگز فراگیر نیستند، قراردادهای و رقابت بازار هر دو ناقص‌اند و به‌ویژه که فرصت‌های بسیاری برای تقلب (فانون‌شکنی) و وارونه‌سازی (جایگزین کردن قوانین جدید و قدیم) وجود دارد، قوانین جاودانه نیستند و به دست انسان نوشته شده‌اند. دوم این‌که، نهادها مبتنی بر قرارداد نیستند، بلکه الگوهای متزلزل همکاری هستند و امکان اختلاف‌نظر بر سر آن‌ها وجود دارد. همه نهادها در معرض جایگزینی با نهادهایی جدیدتر هستند. بنابراین از این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که اعتماد به نهادها تنها با اعتماد به اطاعت کنشگرانی که قوانین درباره آن‌ها مصداق دارد و اعتماد به کنشگرانی که نظارت و اجرای آن قوانین را به عهده دارند، توجیه‌پذیر است و چون خطر نقض این قوانین وجود دارد، اعتماد به افراد نیز ضروری است. بدین ترتیب، وی اعتماد به نهادها را به اعتماد به شاغلان در نهاد تقلیل می‌دهد (آفا، ۱۳۸۵).

در پایان باید ذکر شود که چون در این تحقیق، اعتماد نهادی به صورت کلی سنجیده شده است امکان این وجود ندارد که مشخص گردد کدام بخش از اعتماد نهادی بر مدارا تأثیر معکوس دارد. برای مشخص شدن این موضوع ضرورت دارد که در تحقیقات آتی مؤلفه‌های اعتماد نهادی به صورت تمایز یافته مورد سنجش قرار گیرند تا مشخص شود که برای مثال بعد نظارتی نهادها بازدارنده مدارا است یا بعد سیاسی و یا سایر ابعاد آن‌ها است که مانع گسترش مدارا می‌شود.

منابع

- افشانی، علیرضا (۱۳۸۱)، «بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکلهای دانشجویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- آفا، کلاوس (۱۳۸۵)، «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟»، در تاجبخش سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه، صص ۲۰۱-۲۷۴.
- بهمن‌پور، ثریا (۱۳۷۸)، «رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی»، صص ۴۰-۲۵، در ک. تاجبخش سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی (۱۳۸۵)، «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی»، ص ۳۱۰-۲۸۴، در م. چلبی *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشر نی.
- خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۷)، «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، مطالعه موردی: استان گلستان»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سراج‌زاده، سیدحسین، شریعتی مزینانی، سارا و صابر، سیروس (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۴: ۴۲-۱۰۹.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری*، ساری: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران.
- فاین، بن (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم*، ترجمه محمدرکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر.
- کریشنا، آنیرود (۱۳۸۵)، «سنجش سرمایه اجتماعی»، ص ۵۲۴-۴۷۷، در ک. تاجبخش *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: نشر شیرازه.
- گراهام، گوردن (۱۳۸۳)، «تساهل، کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی»، ص ۱۰۰-۷۵، در د. هید *تساهل*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- والزر، مایکل (۱۳۸۳)، *در باب مدارا*، ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر شیرازه.

- Brown, Kevin M. (2006). "Aspects of Comparative Active Citizenship, the Australia and New Zealand Third Sector Research", *Eight Biennial Conferences*, 26-28 November.
- Cigler, Allan & Joslyn, Mark R. (2002). "The Extensiveness of Group Membership and Social Capital: The Impact of Political Tolerance Attitudes", *Political Research Quarterly*, Vol. 55, No. 1, pp.7-25.
- Colesante, Robert J. (1997). "Narrative and Propositional Approaches to Promoting Moral and Political Tolerance", Dissertation, Department of Politics, University of New York at Albany.
- Dijker, Anton J. M. and Koomen, Willem, (2007). *Stigmatization, Tolerance and Repair: An integrative psychological analysis of responses to deviance*, Cambridge University Press.
- Galeotti, Anna Elisabetta, (2001). "Do We Need Toleration as a Moral Virtue". *Res Publica*, No. 7, pp 273-292.
- Galeotti, Anna Elisabetta, (2002). *Toleration as Recognition*, Cambridge University Press.
- Howe, Paul; Everitt, Joanna and Desserud, Don, (2006). "Social Capital and Ethnic Harmony: Evidence from the New Brunswick Case", *Canadian Ethnic Studies*, Vol. 38, No. 3, pp 37-57.

- Ikeda, Ken 'ichi, (2002). "Social Capital and Social Communication in Japan: Political Participation and Tolerance", *Center for the Study of Democracy*, <http://repositories.cdlib.org/csd/02-05>. 1386/9/10.
- Larsen, Larissa; Harlan, Sharon L.; Bolin, Bob; Hackett, Edward J.; Hope, Diane; Kirby, Andrew; Nelson, Amy; Rex, Tom R. and Wolf, Shaphard, (2004). "Bonding and Bridging: Understanding the Relationship between Social Capital and Civic Action", *Journal of Planning Education and Research*, No. 24, pp 64-77.
- Leonard, Madeleine, (2004). "Bonding and Bridging Social Capital: Reflections from Belfast", *Sociology*, Vol. 38, No. 5, pp 927-944.
- Miller, Steven D. & Sears, David O. (1986). "Stability and Change in Social Tolerance: A Test of the Persistence Hypothesis", *American Journal of Political Science*, Vol. 30, No. 1, pp. 214-236.
- Necci Dineen, Jennifer, (2001). "*The Impact of Political Participation on Political Tolerance in America*", Dissertation, Department of Sociology, university of Connecticut.
- Newton, Kenneth, (1997). "Social Capital and Democracy", *American Behavioral Scientist*, Vol. 40, pp 575-586.
- Norusis, Marija J. (2005). *SPSS 13.0: Statistical Procedures Companion*, Published by Prentice Hall.
- Onyx, Jenny and Bullen, Paul, (2000). "Measuring Social Capital in Five Communities", *Journal of Applied Behavioral Science*, Vol. 36, No. 1, pp 23-42.
- Patulny, Roger, (2005). "Social Rights and Social Capital: Welfare and Co-operation in Complex Global Society", *Australian Review of Public Affairs*, Vol. 6, No. 1, pp 59-75.
- Persell, Caroline Hodges & Green, Adam & Gurevich, Liena, (2001). "Civil Society, Economic Distress, and Social Tolerance", *Sociological Forum*, Vol. 16, No. 2, pp 203-230.
- Phelps, Ellen Weiss, (2004). *White Students' Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism*, Dissertation, Department of Sociology, New York University.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York, N.Y.: Simon & Schuster.
- Putnam, Robert, D. (2002). "Social Capital: Measurement and Consequences", <http://www.oecd.org/dataoecd/25/6/1825848.pdf>, 1386/9/25.
- Putnam, Robert, D. and Goss, Kristin A. (2002). Introduction In Putnam (ed.),

- Democracies in Flux, the Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. Oxford University Press.
- Tollini, Craig, (2005). *Assessing Putnam's Theory of Social Capital Through the Use of Path Analysis*, Dissertation, Department of Sociology, Western Michigan University.
- UNESCO, (1995). "Declaration of Principles on Tolerance", URL: <http://www.unesco.org/cpp>, 1387/8/15.
- Villalba, Heidi R. Salazar, (2007). "*Social Capital, Political Parties and Democracy*", Thesis, Department of Sociology, University of Alberta.
- Whitham, Monica Marlene, (2007). *Living better together: The relationship between social capital and quality of life in small towns*, Thesis, Department of Sociology, Iowa State University.
- Widmalm, Sten, (2005). "Trust and Tolerance in India: Findings from Madhya Pradesh and Kerala", *India Review*, vol. 4, nos. 3-4, pp. 233-257.

محمود شارپور، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران و صاحب تألیفاتی در زمینه سرمایه اجتماعی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است (نویسنده مسئول).

sharepour@yahoo.com

تقی آزادارمکی، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و صاحب تألیفاتی در زمینه نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی ایران است.

علی عسکری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه مازندران است.

aliiaskari@gmail.com